

درس آزاد هفتم و سیزدهم

فارسی ششم دبستان

www.mamplus.com



درس هفتم درس آزاد (فرهنگ بومی ۱) شب یلدا

1

شب یلدا یکی از کهن ترین جشن های ایرانی است. در این جشن، طی شدن بلندترین شب سال و به دنبال آن بلندتر شدن طول روزها در نیم کره ی شمالی که مصادف با انقلاب زمستانی است، گرامی داشته می شود.

«یلدا» برگرفته از واژه ی سریانی به معنای ولادت است. یلدا به زمان بین غروب آفتاب ۲۰ آذر (آخرین روز پاییز) تا طلوع آفتاب در یکم دی (نخستین روز زمستان) گفته می شود.

نام دیگر این شب «چله» است. شب چله هم که مترادف شب یلدا است، از آن رو است که چهل روز اول زمستان را «چله ی بزرگ» و بیست روز بعد از آن را «چله ی کوچک» نامیده اند.



در این شب افراد خانواده ها در خانه ی بزرگ ترهای فامیل مانند پدر بزرگ و مادر بزرگ ها جمع می شوند و بعد از خوردن شام و

بشمک و آجیل و انواع میوه ها که رایج تر از همه هندوانه و انار است،

مدرس: قدیمی

مشغول شاهنامه خوانی و فالگیری با دیوان حافظ می شوند.
همچنین از قصه ها و داستان های قدیمی می گویند و می شنوند
و لذت می برند.

خلاصه، شب یلدا یکی از جشن های بسیار زیبایی است که همه ی
خانواده های ایرانی، خاطرات زیادی را از آن به یاد دارند و هر سال
بی صبرانه منتظر آمدن این شب هستند تا بار دیگر در کنار هم
یک شب به یاد ماندنی را در خاطراتشان ثبت کنند.



www.mamplus.com

درک مطلب

- ۱- یلدا به چه معناست؟ - به معنی ولادت
- ۲- نام دیگر شب یلدا چیست؟ - شب چله
- ۳- منظور از «چله ی بزرگ» چیست؟ - چهل روز اول زمستان
- ۴- خوراکی های رایج در شب یلدا چیست؟
- ۵- یکی از خاطرات شب یلدای خودتان را برای دوستانتان تعریف کنید.

درس آزاد

درس هفتم

(برهنگ بوس ۱)

املا و ...

www.mamplus.com



۱- جمله های زیر را با استفاده از واژه های درس، کامل کنید.

«یلدا» برگرفته از واژه ی سُریانی به معنای است.

یلدا به زمان بین غروب آفتاب (آخرین روز پاییز) تا طلوع آفتاب در (نخستین روز زمستان) گفته می شود.

نام دیگر شب یلدا، شب است.

۲- حروف افتاده ی واژه های زیر را بنویسید.

..... ندوانه (یکی از میوه های رایج شب یلدا)

..... نار (یکی از میوه های رایج شب یلدا)

..... له (نام دیگر شب یلدا)



یک خاطره از شب یلدا را که بسیار دوست دارید در زیر
بنویسید.

تشبیه و ارکان آن

تشبیه: مانند کردن دو یا چند چیز به یکدیگر که دارای یک صفت مشترک باشند.



www.mamplus.com

- در عبارت های زیر ارکان تشبیه را مشخص کنید.

دانه های انار همچون یاقوت، سرخ و درخشان هستند.

زمستان چون عروسی سفید پوش است.

دوزی حلال

2

علی امروز صبح که به مدرسه می رفت ، در راه متوجه شد که کیف پولش را گم کرده است . خیلی نگران شد . چون مادرش مقداری از طلب عمو رضا ، بقال محل را به او داده بود تا بعد از برگشتن از مدرسه ، برود و بپردازد. او هر چه گشت ، خبری از کیف پولش نبود که نبود. ناچار و ناراحت به مدرسه رفت .

در کلاس ، علی نا امیدانه به دوستانش گفت من کیف پولم را گم کرده ام ، کسی آن را ندید ؟ به خدا و زد زیر گریه . بچه ها ناراحت شدند و به او دلداری می دادند که ناگهان معلم وارد کلاس شد . بچه ها به احترام معلم از جای خود بلند شدند .

پس از صلوات و سلام و ... معلم چهره ی اشک آلود علی را دید . جلو آمد و با مهربانی پرسید : « پسرم آقا علی چی شده ؟ علی ماجرا را برای معلم شرح داد.

معلم و همه بچه ها دلشان برای علی سوخت . در این هنگام آموزگار گفت : بچه ها من یک سوال از شما می پرسم و از شما می خواهم خوب فکر کنید سپس پاسخ دهید . او ادامه داد : « آیا کسی که کیف علی را پیدا کند ، می تواند پولهایش را برای خودش بردارد و هر چیزی که دوست داشت بخرد؟».

آقای معلم روی صندلی نشست و به دانش آموزان نگاه کرد و منتظر بود. در این هنگام چند نفر دست خود را بالا بردند تا جواب سوال را بگویند. احمد گفت: «کسی نمی تواند از این پول برای خودش چیزی



بفرد چون مال کسی دیگر است که برایش زحمت کشیده و از طرفی واقعا صاحب پول به آن احتیاج دارد.»

کیانا گفت: « ما نباید از مال دیگران برای خودمان چیز بخریم چون حرام است و باید دنبال صاحبش بگردیم و او را از نگرانی نجات دهیم.»

دوست علی کیف را پیدا کرده بود اما تا حالا ساکت بود. پس از شنیدن این حرف ها دستش را بلند کرد و پس از گرفتن اجازه، گفت: آقا چرا حرام است اصلا حرام چیست؟ معلم پاسخ داد: «خداوند ما انسان ها را آفرید و به ما اختیار داد که در زمین کسب روزی حلال کنید یعنی از دست رنج خود و با تلاش خود، روزی خود را به دست آورید تا رستگار شوید. حالا اگر ما از زحمت دیگران، بدون رضایتشان چیزی برداریم چون موجب نارضایتی، نگرانی، ناراحتی و باعث ضایع شدن حق آن ها شده، و خداوند هم راضی به ظلم کردن و ظلم دیدن، نیست. پس این کار حرام است. شما ببینید دوستان علی، الان چه قدر ناراحت است. حالا اگر شما جای علی بودید، که کسی بدون اجازه ی شما مال شما را مصرف کند، آن وقت چه قدر ناراحت می شدید. آیا دوست نداشتید او هر چه زودتر مالتان را به شما بدهد؟»

آقا معلم باز هم ادامه داد: «مال حرام بر روی انسان اثر بد دارد و دل انسان را سیاه و کور می کند و باعث می شود دیگر سخن حق را نپذیرد و فرد بدی شود و خداوند هم او را دوست ندارد.»

پس از شنیدن این سخنان دوست علی گفت آقا من یک کیف، در راه مدرسه دیدم و اگر علی نشانی درست آن را بدهد کیف مال اوست. ناگهان برق از چشمان علی پرید و با خوشحالی گفت «آفرین کیف من را بده. رنگش قهوه ای و یازده اسکناس پنج هزار تومانی و یک اسکناس هزار تومانی داخلش می باشد.»

بله نشانی هم درست بود و او کیف را به علی داد.

« محسن سوقی »

www.mamplus.com **درک مطلب**



- ۱ روزی حلال چیست؟
- ۲ علت استفاده نکردن مال حرام چیست؟
- ۳ چگونه می توان روزی حلال به دست آورد؟

دانش زبانی

ساختن برخی کلمات با پسوند (انه) باعث ایجاد نوعی حالت می شود که به آن **قید حالت** می گویند

صادقانه = از روی صداقت

نابخردانه = از روی نابخردی

در این درس حالت ناامیدی که در علی بود را به صورت ناامیدانه بیان کرده است.

ناامیدانه = از روی ناامیدی

کارگاه درس پژوهی

- ۱ پس از مراجعه به کتاب خانه، مطالب درباره ی کسب حلال بنویسید و در کلاس گزارش دهید.
- ۲ به نظر شما چرا برخی افراد مال حرام می خورند؟

درس آزاد

3

شکوه جاودانه

ایران زیبای من، سرتاسر شکوه و زیبایی است. هر گوشه اش عطری دارد و هر کنارش رنگی.

کدام زبان قادر به توصیف زیبایی های این خاک زرماند است؟ ای کاش توان آن را داشتم که می توانستم به هر گوشه این کشور پهناور سفر کنم و داستان های زیبای مردمش را بشنوم.

ایران، این شکوه جاودانه مانند مادری دلسوز آغوش کشوده تا همه ی فرزندان خود، در کنار هم زندگی کنند و به این کوهر کران به عاشق بورزند. و من که فرزندان سرزینم و وظیفه دارم وطن خود را بشاسم و در پاسداری از آب و خاک این کشور بکوشم.

کیکان در مشرق برازجان و با ارتفاع حدود ۹۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد و شامل هفت آبادی ناخا، چم، غاری، لرده، باغ تاج، قلدر جب، انارستان و سوک می باشد. کیکان بهشتی در ارتفاع است. طبیعت بکر و محور آن دل هر رکذری را می برد، بهارش رنگی خدایی دارد و زندگی در گوشه گوشه ی آن جاری است. شکوفه های بادام زیباترین نقاشی را ترسیم کرده اند، گلک های سرسبز، زیباترین موسیقی را می نوازند و زندگی را سرشار

از بخت می کند.



کاروانسرای مشیرالملک در ضلع شرقی میدان مرکزی شهر برازجان قرار دارد. این کاروانسرا در سال ۱۲۵۰ شمسی به فرمان حاج میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک با هزینه‌ای معادل ۴۰ هزار تومان ساخته شد. معمار این ساختمان حاج محمد رحیم شیرازی سازنده پل مشیر و کاروانسرای دالکی است. عمده مصالح تشکیل دهنده این کاروانسرا سنگ کچ و ساروج است و در کف آن از تخته سنگ های بزرگ تراشیده شده، استفاده شده است. کاروانسرای مشیرالملک



www.mamplus.com

مجموعاً دارای ۸ باب اتاق و حجره بوده که به دلیل تغییر کاربری آن در دوره های بعدی تعداد اتاق ها کم یا زیاد شده اند. کاروانسرای مشیرالملک در سال ۱۳۶۲ به شماره ۱۶۳۸ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید.

کوردختر آرامگاهی سنگی از دوره های جانشیان است که در دشت «میانکوهی پشت پر» شهرستان دشتستان در بخش ارم قرار دارد و از نقاط دیدنی استان بوشهر در جنوب ایران است. این آرامگاه به سبک آرامگاه کوروش اما در اندازه کوچکتر ساخته شده است و دارای سقفی شبیه آرامگاه کوروش است.



باستان شناسان تایید کرده اند که این اثر متعلق به سال ۶۰۰ پیش از میلاد، دوره ی جانشیان است. کل بنا از ۲۴ قطعه سنگ در ابعاد مختلف ساخته و بوسیله بست های دم چلچله ای به یکدیگر متصل شده اند. ارتفاع آن حدود چهار و نیم متر است.

در ساخت این بنا مانند دیگر سازه های ساخته شده توسط معماران جانشینی پنج گونه ملاتی به کار رفته است. کوردختر را ابتدا باستان شناس بلژیکی لویی ولندسبرگ در سال ۱۳۳۹ خورشیدی کشف کرد. کمانه ها در مورد این بنا فراوان است. پیش پیش یا کوروش یکم (جد کوروش کبیر) آرامگاه ماندا ماد کوروش و یا آتوسا دختر کوروش و شهبانوی جانشینی برخی از کمانه ها درباره این بنا هستند. کوردختر در سال ۱۳۷۶ با شماره ۱۸۹۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید.

امید آوزند

خودارزیابی

- ۱- منظور از «شکوه جاودانه» چیست؟
- ۲- ما در برابر میهن خود چه وظیفه ای داریم؟
- ۳- منظور از جمله «مانند مادری دلسوز آغوش گشوده» چیست؟
- ۴-

www.mamplus.com یادآوری



گاهی شاعر یا نویسنده برای زیبا تر شدن شعر یا نوشته ی خود، دو کلمه ی متناقض را در کنار هم می آورد به طوری که در عین تناقض ظاهری ، وقتی در کنار هم می آیند ، از نظر مفهوم در جمله با هم تناقضی ندارند. به این نوع نوشته "متناقض نما" یا "پارادوکس" می گویند.

مثال: روشن تر از خاموشی - آتش سرد- پر از خالی

نکته: متناقض نما با تضاد تفاوت دارد.

کارگاه درس پژوهی

- ۱- شما به کدام یک از شهرهای ایران سفر کرده اید؟ یکی از مناظر زیبای آن شهر را توصیف کنید.
- ۲- درباره ی مناطقی که در درس به آن ها اشاره شده بود با دوستان خود گفت و گو کنید و بگویید برای حفظ این مناطق چه کارهایی باید انجام بدهیم؟
- ۳- با کمک دوستان خود پوستری در خصوص حفاظت از منابع طبیعی و آثار تاریخی تهیه کنید و در راهروی مدرسه نصب نمایید.

امیدآورد

فعالیت های درس



چهار متناقض نما بنویسید و هر کدام را در یک جمله به کار ببرید.

۱

.....

.....

.....

.....

بند چهارم درس را پیدا کنید و آن را با خط خوش بنویسید.

۲

.....

.....

.....

.....

.....



املا

۱ برای شکل های مختلف صدای «س» یک مثال بنویسید.

..... ◆

..... ◆

..... ◆

..... ◆

۲ حروف در هم ریخته را مرتب کن و در جای خالی بنویس. www.mamplus.com

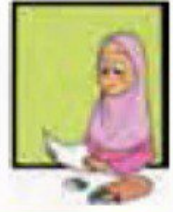
- کردن آویز طلا بر سینه‌ی می‌درخشید. (ر-م-ق-ا-ن-ه)
- روحیه‌ی و دفاع از کشور و علقه به آن را در مردم برانگیزد. (ج-ا-ع-ش-ت)
- فداکاری و سخت‌کوشی مردم، آزادی و استقلال کشور است. (م-ا-ض-ن)

۳ کلمات زیر را در جدول پیدا کنید و خانه های مربوط به هر کلمه را با رنگی مشخص کنید.

بی‌فایده-، میزرم- تپی مغز- یقین- سزاوار- محقق- سعی

م	ه	د	ی	ا	ف	ی	ب
ح	ی	ر	ا	و	ا	ز	س
ق	ز	غ	م	ی	ه	ت	ع
ق	م	د	ا	ن	ی	ق	ی





از میان ترکیب های زیر ، ترکیب های وصفی و ترکیب های اضافی را پیدا کنید و در جدول زیر بنویسید.

۱

سکوه جاودانه - کوردختر - ضلع شرقی - کاروانسرای شیرالک - ایران زیبا - دوتان صمیمی - کوهر کرانهها - شهرستان دشتستان

www.mamplus.com

ترکیب اضافی	ترکیب وصفی

به هر کلمه نشانه مناسب "بان، انه، ان، ها" اضافه کنید و با هر کدام یک جمله بسازید.

۲

جاودان:

.....

نگه:

.....

ایرانی:

.....

ستاره:

.....

امیدآوند

کارگاهِ نویسندگی



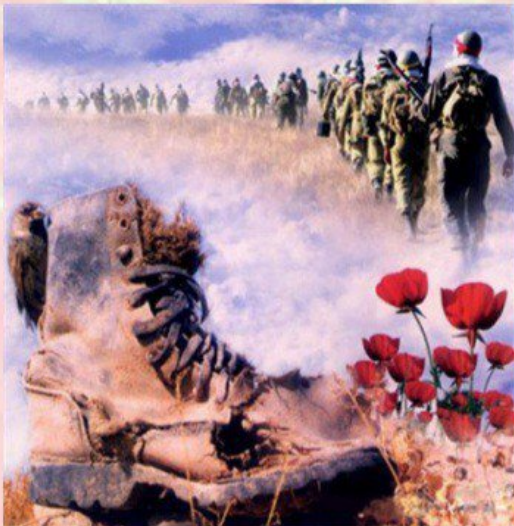
۱ احساس خود را از این که یک ایرانی هستید بنویسید.

۱

www.mamplus.com

۲ در مورد تصویر زیر یک بند بنویسید.

۲

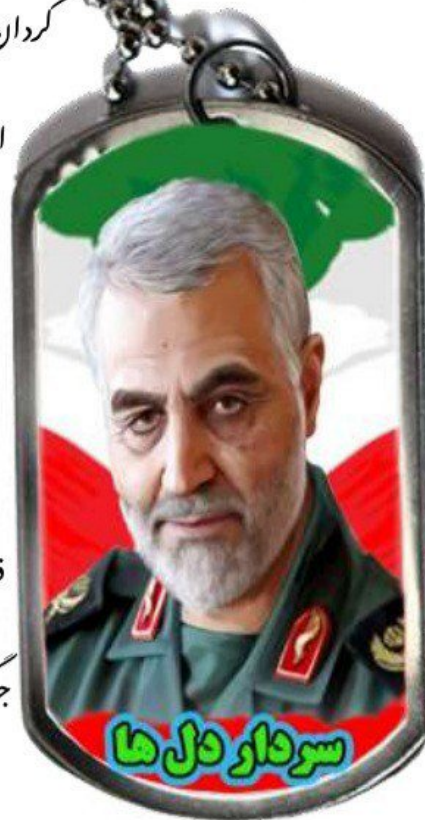


امید آوزند



سردار دل ها

در بیستم اسفند ماه سال ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک شهرستان رابر استان کرمان چشم به جهان گشود. قاسم دوران کودکی و نوجوانی خود را در کنار پدر به کار بنایی گذراند و در سال های جوانی در سازمان آب کرمان پیمانکاری از بخش های آن شد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به این نهاد مقدس پیوست. با شروع جنگ تحمیلی حاج قاسم سلیمانی چندین کردار از سپاهیان کرمان را آموزش داد و به همه های جنوب اعزام کرد. سردار سلیمانی در سال ۱۳۶۰ به عنوان فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله منصوب شد. این سردار شهید در بسیاری از عملیات ها شرکت داشت. با پایان یافتن جنگ در سال ۱۳۶۷، لشکر ۴۱ ثارالله به فرماندهی سردار سلیمانی به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشرازی شد که از مرزهای شرقی کشور هدایت



www.mamplus.com

می شدند.

سردار سلیمانی در هجمن ماه سال ۱۳۸۹ از طرف مقام معظم رهبری، درج سر لشکری رادریافت کرد. شکل گیری کامل گروهک تروریستی داعش و یورش آن ها به مناطقی از عراق و سوریه در سال ۱۳۹۳ سبب شد تا سردار سلیمانی و یارانش برای دفاع از مردم مظلوم این مناطق از جان و زندگی خود دست بکشند و روزها و سال ها به مبارزه با گروهک تروریستی داعش پردازند.

سراجم دشمنان، رشادت و قدرت سردار قاسم سلیمانی را تاب نیاوردند و در بامداد جمعه ۱۳ دی سال ۱۳۹۸ با حمله ی موشکی با لگردهای آمریکایی به خودروی حامل سردار قاسم سلیمانی، ایشان و تنی چند از هم زمانشان را در اطراف فرودگاه بغداد به شهادت رساندند.

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند و در راه او شربت شهادت نوشیدند، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. (سوره احزاب آیه ۳۳)



www.mamplus.com

تا آخر ایستاده ایم

تمیّه و طراح: حسن دبستان عارف شهرستان گلکار

سیامند پهلوان میهن"

در تاریخ هر ملت کسانی هستند که در راه رسیدن به هدف و سرفرازی جامعه‌ی خود از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌اند. این افراد کسانی نیستند که شکست نخورده‌اند، بلکه کسانی هستند که بعد از شکست‌های فراوان، پیروز شده‌اند. زندگی بارها و بارها آمان را در هم کوبیده اما کسی صدای شکستشان را نشنیده است. چون بی‌دنگ برخاسته و کوششی نو را آغاز کرده‌اند. www.mamplus.com

جهان پهلوان سیامند رحمان یکی از تاریخ‌سازانی بوده است که در عرصه ورزش وزن برداری معلولان، جهان را شگفت زده کرد. پهلوان دریکم فروردین سال ۱۳۶۷ در شهرستان اشویه در خانواده‌ای با اصالت کرد متولد شد.

معلولیت پهلوان مادر زادی و از ناحیه‌ی پا بود. هر چند در دوران کودکی بدون کمک نیز راه می‌رفت. با وجود مشکلات فراوان جسمی، دوران تحصیل ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را در شهر اشویه با موفقیت سپری کرد. و سپس موفق به اخذ مدرک کارشناسی حقوق قضایی شد. در زمان تحصیل در دوره‌ی متوسطه، به استعداد خود در زمینه‌ی رشته‌ی وزن برداری پی برد و بدین شکل مسیر موفقیت‌های بسیار در شان ایشان در این رشته هموار شد او وزن برداری را در سال ۱۳۸۵ شروع کرد. نبوغ این پسر دوس دشتنی، باعث شد که در سال ۱۳۸۷ به تیم ملی وزن برداری معلولان کشور دعوت شود.

از جمله افتخارات سیامند می‌توان به مدال طلای مسابقات پارالمپیک ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶، پنج مدال طلا و یک نقره مسابقات جهانی و دو مدال طلای مسابقات آسیایی اشاره کرد. پس از کسب افتخار بزرگ در مسابقات المپیک برزیل که رکورد این رشته را به نام خود ثبت کرد توانست لقب قویترین مرد جهان را نیز به دیگر افتخاراتش اضافه نماید. و در سال ۲۰۱۷ به عنوان برترین ورزشکار پارالمپیک جهان برگزیده شود.

کسب رکورد‌های دست‌نیافتنی، مدال‌های خوش‌رنگ، مهارت وزن‌های پولادی سکین و حتی شهرت جهانی نیز این فرزند رشید میهن را با غرور آشنا نکرد و همچنان پر شور و با انگیزه و بالبی خندان و تواضعی مثال‌زدنی در میان مردم ظاهر می‌شد، با قلبی سرشار از عشق، پذیرای مردم بود و خود را متعلق به خاک و مردم و میهن می‌دانست.

با همه ی افتخاراتی که شاید سالیان سال کسی تواند آن را تکرار کند، این بزرگ مرد با اخلاق، آکلوینی برای جوانان و هم میهنانش بود. چه بسا می توانست در مقابل پیشنهادهای و سوسه انگیز دنیا تسلیم شود اما پشت به مردم و خاک و وطن نکرد. مردمی بودن یک اسطوره را با عمل خویش به همه نشان داده بود. شاد کردن دل مردم و هم میهنانش را سر لوحه ی کار خود قرار داد. ثابت کرد که با وجود نقص عضو، خداوند وی را از لطف خویش بی بهره نساخته است. همچنان که شاعر بزرگ شیخ سعدی که می فریاند:

خدا کر ز حکمت پندوری ز رحمت کشید در دیگری

اما گویا دیگر مهمتی نمانده و رحمان همیشه زنده ، بید امر رحمان ملکوتی را اجابت کند. شاکه یازدهم اسفند ۹۸، خبری ناگوار اشویه را در ماتم فرو برد. آری پهلوان نامی و اسطوره ی تکرار نشدنی اشویه به دیدار پروردگارش شتافت.

لیکن بید دانست که "نمی میرند آنان که در دل ملت شان همیشه زنده اند"

روز بعد با حضور هزاران نفر و بادرده ی مردم در آراکگاه ابدی خویش واقع در زادگاهش به خاک سپرده شد و آرام گرفت.

دک مطلب

۱- مقصود از « معلولیت، محدودیت نیست » رایسان کنید. www.mamplus.com

۲- به نظر شما انسان پهلوان چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

۳- شما چه راه هایی برای زنده نگه داشتن نام آوران و پهلوانان می شناسید؟

۴- جهان پهلوان پیامند رحمان را در یک جمله توصیف کنید.

۵- ...

((معلمی که شنا بلد نبود اما شناگر قلب ها شد))

"ادهم مظفری" در تاریخ پنجم شهریورماه ۱۳۵۳ شمسی در خانواده‌ای مذهبی در روستای "پشته" از توابع "گامیاران" به دنیا آمد. "ادهم مظفری" کودکی را در میان کانون گرم و صمیمی خانواده سپری نمود و به سن شش سالگی رسید. سن فرارسیدن تحصیل و مدرسه، پدر که دوستدار تحصیل فرزندش بود او را به شهرستان گامیاران فرستاد تا بتواند به مدرسه برود. محیط شهر برای کودکی همچون "ادهم" غریب بود، اما وی با استعداد و لیاقتی که داشت خیلی زود خود را در مدرسه میان معلمان و همکلاسی‌هایش جا انداخت. "ادهم" توانست مقاطع ابتدایی و راهنمایی را با کسب بهترین نمرات سپری نموده و به دبیرستان راه یابد و در رشته‌ی ریاضی و فیزیک در دبیرستان شهید غفاری "گامیاران" به ادامه‌ی تحصیل پردازد. در سال دوم دبیرستان بنا به علاقه‌ی قلبی که به شغل شریف معلمی داشت و دریافته بود که زادگاهش به او نیاز دارد با شرکت در آزمون ورودی دانشسرا طرح دو ساله در خردادماه ۱۳۷۱ با نمره‌ی عالی پذیرفته و در دانشسرای "سنندج" ثبت‌نام نمود و در سال ۱۳۷۳ با کارنامه‌ی درخشان فارغ‌التحصیل شده و به جمع معلمان شهرستان "گامیاران" پیوست. وی با شور و اشتیاق فراوان شروع به کار نمود. در سال تحصیلی ۷۴-۷۳ در روستای "درویان سفلی" در سال تحصیلی ۷۵-۷۴ در روستای "ورمهنگ"، در سال تحصیلی ۷۶-۷۵ در روستای "پشاباد" و در سال تحصیلی ۷۷-۷۶ در روستای "الک" از توابع "گامیاران" مشغول به امر مقدس تدریس شد. www.mamplus.com

"چهارشنبه سوری است. (۷۶/۱۲/۲۷)" "ادهم" صبح زود از منزل خارج می‌شود تا به آخرین دیدار با شاگردانش برود، او از اول صبح به قصد خداحافظی رفته بود با شاگردانش، با ما و با همه. اما غافل از این که او از لحظه‌ی خداحافظی خود را به ما شناساند و ما تازه با او آشنا شدیم و هرگز پیمان آشنایی را با جدایی عوض نخواهیم کرد.

چهارشنبه سوری امسال برخلاف سال‌های گذشته در دیار ما چهارشنبه‌ی سیاهی بود؛ هوا طوفانی بود. باران و برف هم از دیشب شروع به باریدن کرده بود. رودخانه‌ی "گام" صدای عجیبی داشت. رودخانه‌ی "گام" به خود جرأت داده بود کام برف و باران را برآورده نماید. رودخانه به تعداد شاگردان مدرسه تماشایی داشت اما هیچ کدام را نمی‌پسندید.

به دنبال میهمان خود می‌گشت. رودخانه بهانه‌ی لازم را پیدا کرد و آن بوئیدن یکی از گل‌های مدرسه، دانش آموز "شهین فریدی" بود. او خوب می‌دانست که باغبان برای نجات گل خواهد آمد. همین که گل به روی آب افتاد گل‌های دیگر با فریاد و مهمهمه باغبان را صدا کردند.

آب طغیانگر، گل را نزدیک ۷۰ متر با خود برده بود اما او خوب می‌دانست که گل ته آب نمی‌رود چون هنوز بسیار سبک است و سال‌ها تا درخت شدن فاصله دارد. "ادهم" خود را در آب انداخت و همچون غواصی شناگر شاگردش را به روی تنه‌ی درختی انداخت و او را از مرگ حتمی نجات داد.

"ادهم" بارها گفته بود که در طول عمرش شنا نکرده و از آب خیلی می‌ترسد. اما این بار "ادهم" چیزی دیگر بود؛ انگار که سال‌های سال است با آب مونس است. آب از ترس او صدایش را بلندتر کرده بود. همه‌ی مردم در تلاش بودند که "ادهم" را نجات دهند.

"ادهم" هیچ سر و صدایی نمی‌کرد، حتی یکبار هم نکفت مرا نجات دهید. تنها می‌گفت: مردم من چیزیم نیست، شهین چه شد؟ چندین بار این جمله را تکرار کرد و با جریان سرد و بی‌رحم آب همسفر گشت و برای همیشه به خاطرها پیوست.

ای دوست، ای انسان، ای معلم ایگاش می‌دانستم که در آن لحظه‌ای که میهمان آب بودی و تا سینه در آب غلتیده بودی چه در قلبت می‌گذشت. آری تو اسطوره شدی.

آری! او همان داستانی را تکان داد که انسانی را نجات داده بود و این جملات را برای داستان خود زمزمه می‌کرد: امیدوارم که از من راضی باشید. با شما بر تخته‌ی کلاس درس انسانیت را نوشتم، خواندم و نوشتم که آری من انسانم. آری! آب و میهمان بزرگش بار سفر بستند. "ادهم" ۲۳ سال عمر نکرد.

تنها سه روز زندگی کرد و بقیه را فقط زیست، اما باید طول هر روز زندگی او را بی‌نهایت نوشت. مردم می‌دانند که نام و یاد "ادهم" تا انسانیت باشد زنده خواهد ماند. او درس ایثار و فداکاری را از همان کودکی در دامن پاک خانواده در روستای بی‌آلایش "پشته" آموخته بود و نام او همچون "شاهو" سربلند و استوار، پابرجا خواهد ماند. زیرا در دامن او بزرگ شده بود. وی از "شاهو" زیبایی و استواری زندگی را فراگرفته بود. وی با "شاهو" پیمان بسته بود که قله‌ی شود مرتفع‌تر و زیباتر از او و این پیمان ناگسستنی است تا زمانی که "شاهو" پابرجاست

ادهم مظفری معلمی که معلمان زبست یادش گرامی باد .

درک مطلب:

۱. چرا ادهم مظفری شغل معلمی را انتخاب کرد؟ www.mamplus.com

.....

۲. منظور از عنوان درس چیست؟

.....

۳. ادهم زمانی که میان آب می‌غلتید که جمله‌ای را تکرار میکرد؟

.....

۴.

شعری پیشنهادی در رابطه با درس آزاد طراحی شده جهت استفاده همکاران و دانش آموزان و خوانش در کلاس درس

حسرت دیدار

(از زبان دانش آموز نجات یافته)

شعر ماشاءالله فرمانی (دبیر مدارس حسن آباد یاسوگند)

روشنی بخش تمام باورم	مونسم، آموزگارم، یاورم
روزهای با تو بودن چون گذشت؟!	ای همه زیبایی و مهر و گذشت
باغ سبز سینهات کی زرد شد	دستهای گرم تو، کی سرد شد
من چرا دیگر نمی بینم تو را	مهربانی های تو رفته کجا
من کجا گیرم ز تو آخر نشان	همدمم، حالا کجا داری مکان
باغبانم، باغ و بستانت کجاست	ادهمم حالا دبستانت کجاست
تو ز جای خود نشانی می دهی	باز درس جان فشانی می دهی
دل فقط بر خاطرات بسته ام	هیچ می دانی که بی تو خسته ام
طاقتم را آب با خود برده است	هیچ می دانی امیدم مرده است
در خودم صد بار ویران گشته ام	هیچ می دانی پریشان گشته ام
خانه ی قلبم شده مأوای غم	درد دوری، شانه هایم کرده خم
بی تو من تا کی کشیدم انتظار	هیچ می دانی که در آن روز تار
بی تو من تا کی نشستم پیش رود	بی تو من تا کی شکستم پیش رود
غصه ها و تلخی احوال خود	تا که باز آیی، بگویم حال خود

www.mamplus.com

من کمک می خواستم، تنها همین	تا که باز آیی بگویم نازنین
چون نبردم از تقلا هیچ سود	چون که افتادم میان آب رود
مهربان و مونس و درد آشنا	چون نبود آن سو، کسی غیر از شما
رود "گام" روستا هم بی وفاست	من ندانستم که گارم اشتباست
می دهی از کف، تمام صبر و تاب	من ندانستم مرا بینی به آب
می شوی با آب دریا همسفر	می زنی خود را به سیلاب و خطر
در میان آبها گم می شوی	من ندانستم که بی من می روی
در غم تو ناشکیبا می شوم	من ندانستم که تنها می شوم
تا نیایی تو میان آبها	ورنه می ماندم در آن جا بی صدا
بی تو این جا یک گل پژمرده ام	ادهمم، حالا ز تو شرمندهام

مانده‌ام در حسرت دیدار تو	در عجب هستم از آن ایثار تو
باز می‌خواهم تو را قدر جهان	دوستت دارم به قدر آسمان
نوگل عمرت اگر چیدم ببخش	کودکی بودم نفهمیدم ببخش
تا ابد یادت برایم زنده است	سینه‌ام از عشق تو آکنده است

و این هم سروده "امجد ویسی" در جواب اشعار "ماشاءالله فرمانی" از زبان زنده یاد مرحوم "ادهم مظفری" به دانش آموز خود:
www.mamplus.com


دانش آموز عزیزم، خوب من	همنشین دیده‌ی مرطوب من
گفته بودی بعد من شرمندگی	نیست بر لب‌های سُرخت، خنده‌ی!
گفته بودی که مقصر رود بود	گفته بودی رفتن من زود بود!
گفته بودی که نفهمیدم ببخش	گر گل عمر تو را چیدم ببخش!
واژه‌هایت خاکی و افتاده‌اند	مثل چشمان قشنگ ساده‌اند
نه عزیز من مقصر کسی نبود	دست ایزد، آب را بر من گشود
چون بود تقدیر این، تقصیر کیست	رودخانه یک بهانه بیش نیست
هیچ از کارم پشیمان نیستم	چون که من با سر بلندی زیستم
چون معلم یعنی این عشق و وفا	یعنی دلسوزی او بی انتها
گوئیا تنها همین دیروز بود	دست رود "گام" چشمت را ربود
سال نو آرام از ره می‌رسید	باد تصویر بهاری می‌کشید
تا که خود آوای بلبل می‌شکفت	پنجره تا خنده‌ی گل می‌شکفت
ناگهان تصویر تو در مه نشست	و سکوت دشت را در هم شکست
دست‌های کوچکت در آب بود	چشم‌های خسته‌ات بی‌تاب بود
از شکوه آب پر عمق و دُرُست	گرچه می‌ترسیدم از روز نخست
لیک در آن لحظه‌ی ترس و شکفت	آب رنگ دیگری بر خود گرفت
اشک‌های من فواره می‌کشید	هر دو پایم بی اجازه می‌دوید
آن قدر آن لحظه دل بی‌تاب بود	گوئیا تخته سیاهم آب بود
ناگهان دستان من فریاد زد	بر شکوه آب‌ها بیداد زد
تا مبادا دست‌هایت تر شود	شمعدانی‌هایتان پر پر شود


تا مبدا بشکند از دوریت	قلب سرخ چارشنبه سوریت
تا مبدا چشم تو تنها شود	ماهی نوروزیت شیدا شود
گرچه اکنون تو نمی بینی مرا	لیک هرگز نیستید از من جدا
روز و شب من؛ خسته، آهسته، مدام	می نشینم در کنار رود "گام"
تا مبدا "گام" سینه گسترده	دانش آموزی به "گام" خود برد
گر زمانی خسته افتادم زمین	به دبستان چشم می دوزم همین
تا حیاط مدرسه تان می دوم	با شما مشغول بازی می شوم
با قدمهای بدون رد پا	می نشینم در بغل دست شما
چشم می دوزم به چشم سبزتان	به نگاه ساکت و پُر رمزتان
به کلاس درستان تا می رسم	دست هایم را به تخته می کشم
گوئیا تخته، هنوزم آشناست	حرفها دارد اگر چه بی صداست
می شناسد رد پایم را هنوز	می نوازد دست هایم را هنوز
مدرسه، تخته سیا، یادش بخیر	رودخانه، روستا، یادش بخیر
گوئیا انشاست این زنگ شما	باز هم این زنگ دلتنگ شما
باز، موضوع شما امروز چیست؟!	سوزهی اصلی انشای تو کیست؟
دفتر انشای خود را دوباره باز کن	باز با احساس خود آغاز کن
باز هم، بنویس بابا آب داد	رفت، اما هدیه یی نایاب داد
هدیه یی که دیگر اسمش، زندگی ست	دیگر اسمش ماندن و پایدگی ست


www.mamplus.com

املا و واژه آموزی:

* واژه هایی را که در آنها یکی از صداهای /س/ به کار رفته است از درس پیدا کنید و بنویسید.

..... 

..... 

..... 

* برای هر یک از واژه ای زیر دو هم خانواده بنویسید.

مدرسه:.....

همسفر:.....

نگارش:

متن زیر را تا چهار سطر ادامه دهید.

اگر به جای ادهم مظفري بودم.....

با استفاده از واژه های زیر یک بند درباره ی یکی دیگر از معلمان فداکاری که می شناسید یا اسم آن را شنیده اید

www.mamplus.com

بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

کارگاه نویسندگی:

گزارش: ((گزارش نوعی نوشته است که در آن نویسنده اطلاعاتی درباره ی موضوعی خاص در

اختیار کسانی می گذارد که از آن آگاه نیستند.))

*باتوجه به آنچه که درس آموختید درباره ی حادثه ی روز چهارشنبه سوری (۷۶/۱۲/۲۷)، گزارشی تهیه کنید و در دو بند بنویسید (عنوان مناسبی برای گزارشتان پیدا کنید).

موضوع:.....

.....

*جمله ی زیر چه ارتباطی با متن درس دارد.

(جوانمردی، نیرویی است پایداری ناپذیر و چون در نفسی بروز کند، ترس و آشفتگی را در برابر هر گونه خطر از بین می برد) (افلاطون)

.....

.....

.....

هنر و سرگرمی:

از روی سرمشق زیر، خوش خط و زیبا بنویسید. www.mamplus.com

هر کس که این ندارد حقا که آن ندارد

جان بی جمال جانان میل جهان ندارد

.....

.....

یا من خبر ندارم یا او نشان ندارد

با هیچ کس نشانی زان دلستان ندیدم

.....

.....